

صافی در شرح کافی

جلد اول

ملا خلیلی قزوینی

www.ketab.ir

به نام او، که هر چه داریم از اوست

صافی در شرح کافی (جلد اول)

مآخلیل قزوینی

انتشارات اختر اندیشه

۲۲ صفحه، وزیری

چاپ اول ۱۳۸۲

تیراژ: ۵۰۰ عدد

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۶۰۰-۷۴۰۹-۸۵-۵

سرشناسه: قزوینی، خلیل بن غازی، ۱۰۰۱-۱۰۸۹ ق.
عنوان قرارداد: الکافی، فارسی - عربی، شرح
عنوان و نام پدیدآور: صافی در شرح کافی / خلیل قزوینی.
مشخصات نشر: تهران: هفت اختر اندیشه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ج ۲.

شابک: ۹۶۴-۶۰۰-۷۴۰۹-۸۵-۵: ج ۱، ۲-۸۶-۷۴۰۹-۶۰۰-۹۷۸-۲: ج ۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر کتاب "الکافی" تألیف محمد بن یعقوب کلینی است.

موضوع: کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق. الکافی -- نقد و تفسیر

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۴ ق.

شناسه افزوده: کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق. الکافی. شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۲۲۸ ۴۲۰۴۸/ک۸ BP۱۲۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۱۱۹۳۱

تهران - حکیمیه - تهران پارس - بلوار بهار - خیابان سازمان آب - خیابان رضوان - بلوک ۲ - واحد ۲۰

۰۹۳۷۵۷۵۱۸۱۹-۷۷۰۰۶۶۵۰

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	خطبه کافیه
۷۹	کتاب العقل
۸۱	باب اول بَابُ الْعَقْلِ وَالْأَهْلِ
۱۵۸	باب دوم بَابُ فَرَضِ الْعِلْمِ رُبُّ بَابٍ مَلِيهِ الْحَثُّ عَلَيْهِ
۱۶۶	باب سوم بَابُ صِفَةِ الْعِلْمِ وَفَضْلِهِ وَفَضْلِ الْعُلَمَاءِ
۱۷۵	باب چهارم بَابُ أَصْنَافِ النَّاسِ
۱۷۹	باب پنجم بَابُ ثَوَابِ الْعَالَمِ وَالْمُتَعَلِّمِ
۱۸۴	باب ششم بَابُ صِفَةِ الْعُلَمَاءِ
۱۹۲	باب هفتم بَابُ حَقِّ الْعَالِمِ
۱۹۴	باب هشتم بَابُ فَقْدِ الْعُلَمَاءِ
۱۹۹	باب نهم بَابُ مُجَالَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَصَحْبَتِهِمْ

- باب دهم بَابُ سُؤَالِ الْعَالِمِ وَتَذَاكُرِهِ ٢٠٣
- باب یازدهم بَابُ بَذْلِ الْعِلْمِ ٢٠٩
- باب دوازدهم بَابُ النَّهْيِ عَنِ الْقَوْلِ بِغَيْرِ عِلْمٍ ٢١٢
- باب سیزدهم بَابُ مَنْ عَمَلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ٢١٨
- باب چهاردهم بَابُ اسْتِعْمَالِ الْعِلْمِ ٢٢٠
- باب پانزدهم بَابُ اسْتَأْذِنِ بِعِلْمِهِ وَالْمُبَاهِي بِهِ ٢٢٧
- باب شانزدهم بَابُ الْحُجَّةِ عَلَى الْعَالِمِ وَتَشْدِيدِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ ٢٣٢
- باب هفدهم بَابُ النُّوَادِرِ ٢٣٦
- باب هجدهم بَابُ رِوَايَةِ الْكُتُبِ الْحَدِيثِ وَالْمَسَائِلِ الْكِتَابَةِ وَالتَّمَسُّكِ بِالْكِتَابِ ٢٥٨
- باب نوزدهم بَابُ التَّقْلِيدِ ٢٦٦
- باب بیستم بَابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَایِسِ ٢٦٩
- باب بیست و یکم بَابُ الرَّدِّ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَأَنَّهُ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَلَالِ وَالْحَرَامِ وَجَمِيعِ مَا يَخْتِاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ إِلَّا وَقَدْ جَاءَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ مُسْنَدٌ ٢٩٥
- باب بیست و دوم بَابُ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ ٣١٠
- باب بیست و سوم بَابُ الْأَخْذِ بِالسُّنَّةِ وَشَوَاهِدِ الْكِتَابِ ٣٤٢

بسم الله الرحمن الرحيم

فبی صافی گنجینه شاهی شرح کافی احادیث رازداران الهی، گشادِ نعیم نامتناهی حمد بی سربک اسد - تَعَالَى شَأْنُهُ - که به دلالت کریمه: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» و کریمه: «كُلُّ النَّاسِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ»، جمیع افراد انسان را جاهل به غیب و مایل به دعوی و اختلاف کرده، تادر هر چه بی مکابره اختلاف در آن و در دلیل آن رود و خلاق را احتیاج به کسی که حکم کند بر آن، شود، همگی محتاج به حکم الهی و کتاب سماوی باشند و غیر انبیاء، محتاج به حکم و الهی و محتاج به وحی خالق ارض و سما بوده، هیچ کدام در آن، انکار ربوبیت رب العالمین نکنند؛ بعضی شکستی - حکم، با صاحب کل اختیار هر کس و هر چیز نمایند.

و به مؤدای: «وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ تَضِي بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» رعایت احتیاج به امام معصوم مُقْتَرَضِ الطَّاعَةِ در هر زمان و هر مکان، اکثر احکام خود را به محکومات قرآن، صریح نساخت؛ بلکه هنوز راه اختلاف در آن باقی گذاشت و به علم جمیع آنها اوصیا را نواخت تا تشنگان زلال ایقان و راعیان شروط ایمان، به تحریک و اخلاص تمام در اقوال خود، استفاضه از کلمات مشکل گشای ائمه اثنا عشر - عَلَيْهِمُ السَّلَامَةُ - به و سَلَامُهُ إِلَى يَوْمِ الْمَحْشَرِ - نمایند و در افعال خود، راه پیروی احادیث و آثار ایشان پیمایند و صلوات نامیات بر جمیع انبیاء و حُجَج، خصوصاً هادی سُبُل، مأمور به: «قُلْ مَا كُنْتُ بِذِعَاً مِنَ الرُّسُلِ»، شفیع عاصیان، رحمت عالمیان، ثمره شجره قریش.

از آل هاشم و عَندَنان، خاتم النبیین محمد بن عبدالله؛ و وصی او به نص قرآن، حلال مشکلات، کشف مبهمات، رازدار حضرت مصطفی، صف شکن میدانِ لافتی، نعمه الله العظمی، کلمه الله الکبری، اسد الله الغالب، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، و جمیع اوصیای

او ائمه هدی که به انوار مطالع هدایت، ساحت ملت بیضا را روشن و هویدا ساختند و به ازهار
لوامع بلاغت، عرصه شریعت غرا را منور کرده، لوای عالم آرای علم دین میین برقرار قبه
خضرا برافراختند، خصوصاً وصی الأوصیاء، بقیة الله فی الارض و السماء، که تسلی مؤمنان
به انتظار جود او، و قرار زمین و نباتش، و مدار آسمان و برکاتش، به فیض وجود اوست. امام
عباد الرحمن، الحجة بن الحسن، صاحب الزمان.

اُسَد، جنین گوید محرر این اوراق، خلیل بن الغازی القزوینی عفی عنهما بالنبی
والسبی، که در شعبان هزار و شصت و چهار هجری، به فیروزی و اقبال، رایات جاه و جلال
اعلی حضرت، پادشاه زمان، نور حدقه شیعیان، نور حدیقه اهل ایمان، غلام با اخلاص
صاحب الزمان، برگزیده خاندان مصطفی، شهسوار اولاد مرتضی، آن که به جلال مهابت،
در جمیع ممالک سرور و سربل گسترده و به کمال عدالت، در میان قوی و ضعیف، رعیت
پرورد؛ ابوالغازی، ابوالفضل، السلطان بن السلطان، المؤید بالتأیید الربانی،
السلطان محمد الملقب به شاه عباس، الحسینی الموسوی الصفوی - خَلَّدَ اللهُ تَعَالَى مُلْكُهُ
و سُلْطَانَهُ، و أَفَاضَ عَلَى الْعَالَمِينَ مِنْ فَضْلِهِ وَ إِحْسَانِهِ. بعد از فتح بعض اطراف دیار و ادبار
مخالقان نگون سار در دارالموحدین فروین - عَنْ كَيْدِ الْخَاسِدِينَ - نزول اجلال نمود.
و چون این بلده فاخره، مولد و مظهر آن لطف الهی بود، انبساطی تمام در این مکان، حاصل
نموده، با وجود تلاوت قرآن و دعا و روزه و زیارتی گرمای قلبی الأسد، هر روزه به تجدید نظم
و نسق عساکر منصوره پرداخت و در ماه رمضان المبارک، در شب و اب افطار به روزه داران اهل
اسلام و ترویج دین سپرده شده به دوازده امام نموده، به حضرات علیی که در پایه سریر اعلی
حاضر بودند، فرمان داد تا مجلس اشرف اعلی به علمای نامدار و امرا و بزرگوارانی که در این
هر دیار قرار گرفت. و چنانچه عادت آفتاب عالمتاب، آن است که در هر پنجم از اظهاری سازد،
بعد از تحقیق احوال علما و کتب احادیث صحیحه دوازده امام علیهم السلام التفت به این
بی مقدار کرده، شغل شرح کافی کلینی، مستمی به شافی را معلوم ساخت. پس بِمَشَافَهَةِ الْعَلِيَّةِ
الْعَالِيَةِ، فرمان واجب الإذعان، شرف صدور یافت به شرحی دیگر بر کافی به زبان فارسی آیان
تا جمیع خلائق از عرب و عجم، طریق فهم احادیث ائمه معصومین - صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - را به سهولت دریابند و ثواب آن به روزگار فرخنده آثار اعلی حضرت، پادشاه

دین پناه و یک رنگان این خاندان ولایت نشان عاید گردد. سَمْعًا وَ طَاعَةً گفته، چون او صاف و شمایل اعلی حضرت، پادشاه اسلام را موافق دو حدیث که مذکور می شود، دید، به عرض رسانید که: شیخ ابو جعفر طوسی (که مصنف کتاب تهذیب الأحکام و کتاب استبصار است) کتابی در احادیث غیبت صاحب الزمان - عَلَيْهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ - تصنیف کرده و در آن کتاب، دو حدیث از حضرت رسول ثقلین - عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَام - روایت کرده موافق این تأیید دین مبین واقع شد و امید آن است که روز به روز در تزیاید باشد:

یک آن که گفته که: «رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَخْرُجُ بَقْرَوَيْنَ رَجُلٌ اسْمُهُ اسْتَيْبِي، يُسْرِعُ النَّاسُ إِلَى طَاعَتِهِ، الْمُشْرِكُ وَالْمُؤْمِنُ، يَمْلَأُ الْجِبَالَ خَوْفًا».

یعنی منقول است از پیغمبر صلی الله علیه و آله این که او گفت که: ظاهر می شود در قزوین، مردی که نامش موافق نام پیغمبری باشد. می شتابند مردمان به سوی طاعتش، خواه مردمان مشرک و خواه مؤمنان پُر می کنند آن مرد، کوه ها را از ترس؛ یعنی به کمال مهابت و شوکت خواهد رسید.

دیگری آن که گفته که: «رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنَ الدَّيْلَمِ، يَمْلَأُ الْجِبَالَ وَالسَّهْلَ وَالْوُغُورَ خَوْفًا وَ مَهَابَةً، يُسْرِعُ النَّاسُ إِلَى طَاعَتِهِ: الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، وَ يُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ».

یعنی: منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله این که او گفت که: بیرون می آید مردی از دیلم که پُر می کند آن مرد، کوه ها و صحراهای مازنی و سحراهای ناهموار را از ترس و هیبت. و می شتابند مردمان به سوی طاعتش، خواه مردمان نیکوکار و خواه بدکار. و مدد می کند دین مرا.

و چون لفظ «دَیْلَم» مشترک است میان محلتی از محلات قزوین که در آن وقت خانه مبارک در آن جا واقع است و الحال به «دیلمه کوچه» مشهور است و میان طائفه یا مذهب که قزوین، سرحد آن است، می تواند بود که این دو حدیث شریف، بیان یک واقعه باشد و امید هست که آن مددکار، این پادشاه دین پناه باشد، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. و به عرض رسانید که: تا عجم به شرف اسلام، مشرف شده اند، در صیان ایشان این قسم تأییدی واقع نشده [است]. الحق، کتاب کافی، عمده کتب احادیث اهل البیت علیهم السلام است و مصنف آن، ابو جعفر محمد بن

یعقوب بن اسحاق الرازی الکلبینی که مخالفان نیز اعتراف به کمال فضیلت او نموده‌اند، از روی احتیاط تمام، آن را در بیست سال تصنیف کرده در زمان غیبت صغرای حضرت صاحب الزمان - عَلَیْهِ وَ عَلَیْ آبَائِهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ - که شصت و نه سال بوده و در آن زمان، مؤمنان، عرض مطالب می‌کرده‌اند به تَوْسُطِ سَفَرَا (یعنی خیر آو رندگان از آن حضرت) و ایشان چهار کس بوده‌اند به ترتیب؛ و سوای ایشان و کلاً بسیار بوده‌اند که اموال از شیعه امامیه می‌گرفته‌اند و می‌ربانیده‌اند. و مُحَمَّد بن یعقوب، در بغداد، نزدیک سفر ا بوده و در سال فوت آخر سفر ا، ابو الحسن علی بن مُحَمَّد السَّمُرِی - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - که سال سیصد و بیست و نه هجری باشد، فوت کرده، یا یک سال قبل از آن.

پس می‌تواند بود که هر حدیثی در این کتاب که در عنوانش «وَقَدْ قَالَ الْعَالِمُ عَلَیْهِ السَّلَام» باشد، یا «وَرَوَاهُ كَرِیْمُ الْاَخَرِ» یا مانند آنها باشد، نقل از صاحب الزمان علیه السلام باشد بی واسطه یا به تَوْسُطِ سَفَرَا مگر این که قرینه صادقه با آن باشد، و مُصَنَّف - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - در آن زمان، زیاده از این اظهار نمی‌توانسته کرد و شاید که این کتاب مبارک، به نظر اصلاح آن حُجَّتِ خدای تعالی رسیده باشد؛ و اللَّهُ اعْلَمُ! مخفی نماند که اگر ترجمه، همه جا موافق لفظ عربی باشد، فارسی آید و متن عربی شود. و اگر اختلاف باشد، نمی‌تواند دانست که هر لفظی از عربی، چه معنی دارد. پس می‌گوییم و معذور باید داشت؛ چه بیان قصد امام معصوم، مطلبی است بزرگ، نه باریجه و تفکیک فضولی در آن به قدر وسع احتیاطی است لازم بر فائده.

بدان که آیات قرآن دو قسم است: اوّل، محکمات و ثانی، متشابهات. محکمات، آیاتی است که دلالت آنها بر معنی، صریح باشد و احتمال نسخ در آنها نماند و غیر آنها متشابهات است. و ما آنچه در ترجمه بعض متشابهات می‌گوییم، یا نقل است از معصومین یا محض اظهار احتمال؛ چه تفسیر آنها از پیش خود، جایز نیست. این است شروع در شرح.